

انسان خداگونه

تاریخ مختصر آینده

یوهانز هیراری

ترجمه

زهرا عالی

فرهنگ‌نشر نو
با همکاری نشر آسیم
تهران - ۱۳۹۷

انسان خداگونه
تاریخ مختصر آینده

ترجمه زهرا عالی

Homo Deus: A Brief History of Tomorrow
از
Yuval Noah Harari
London, Vintage, 2015

فرهنگ نشر نو تهران، خیابان میرعماد، خیابان سیزدهم، شماره سیزده
تلفن ۸۸۷۴۰۹۹۱

چاپ اول ۱۳۹۷

شمارگان ۲۲۰۰

ویراستار محمدرضا جعفری، جواد شریفی

مخه آرا مرتضی فکوری

طرح جلد دفتر طراحی دایره

چاپ غزال

ناظر چاپ بهمن سراج

همه حقوق محفوظ است.

فهرست کتابخانه ملی

سرشناسه

هراری، یووال، ۱۳۹۶ -

عنوان و نام پدیدآور انسان خداگونه: تاریخ مختصر آینده/ یووال نوح هراری؛

ترجمه زهرا عالی

مشخصات نشر تهران: فرهنگ نشر نو، ۳۹۶

مشخصات ظاهری ۵۵۲ ص.

شابک ۹۷۸-۶۰۰-۴۹۰۰۰۲۷-۰

وضعیت فهرست نویسی فیبا

موضوع

تمدن جدید -- قرن ۲۱م: تکنولوژی و تمدن و تمدن؛

آینده نگری: انسان -- تاریخ: انسان شناسی فلسفی

طبیعت -- اثر انسان: آینده نگری

شناسه افزوده

رده بندی کنگره ۱۳۹۶ الف ۲/۸ CB۴۲۸

رده بندی دیویی ۳۰۳/۴۹

شماره کتاب شناسی ملی ۴۸۹۲۲۵۰

مرکز پخش آسیم

تلفن و دورنگار ۸۸۷۴۰۹۹۲-۵

فروشگاه اینترنتی www.nashrenow.com

قیمت ۶۴۰۰۰ تومان

مقدمه مترجم

کتاب انسان خداوند، تاریخ مختصر آینده، در واقع ادامه کتاب پیشین همین نویسنده است با نام انسان سرسبز، تاریخ مختصر بشر. نویسنده در این کتاب نیز کمابیش همان آرای را پی می‌گیرد که در کتاب پیشین مطرح کرده است. تاریخ را از منظری کلان می‌نگرد و در اسامی تاریخی را می‌کاود و سه انقلاب کلی را در تاریخ بشر مشخص می‌کند. در دوره نخست، بشر در احاطه ذاتی برتر است؛ ذاتی همه‌جا حاضر و قاهر و غالب. معانییر و شر. اما این ذات برتر نمی‌تواند بر بشر حکم براند مگر به واسطه سماوات گانی و زمین. این نمایندگان بر اساس متونی که مقدسش می‌خوانند، حیات و ممات آدمی را به نمایندگی از خداوند تفسیر و تعیین می‌کنند. گناه را تعریف می‌کند، مصیبت کار را در دنیا عقوبت می‌دهند و حکم عقوبت او در آخرت را نیز برایش تشریح می‌کنند. این انقلاب در واقع انقلاب خدای یگانه علیه چندخدایی دوره پیشین بود. با پیشرفت اومانیسیم، بشر بر آنچه خود بدان سلطنت بخشیده است می‌شورد و فرمانروای عالم و فرمانروای خود می‌شود. البته چنین نیست که مشروعیت آن ذات برتر یکسره و در ذهن همه آدمیان به یکسان منقضی شود. متدینان هرگز سلطنت مطلق انسان را باور نکردند و از کرنش به ذات سرمدی روی نگرداندند. اما زمانه یکسر تغییر کرده بود - هر قدر هم که متدینان مقاومت می‌کردند. انسان خود را تعریف کرد،

نظام ایستای پیشین را منقضی کرد، باور به خدای یگانه را به حوزه شخصی راند، و نظام نوینی بر اساس محوریت انسان بنا کرد. در این دوران، که کمابیش هنوز بر دوام است، سه ایدئولوژی سر برآوردند: کاپیتالیسم، سوسیالیسم، و فاشیسم. جریان غالب اما همواره کاپیتالیسم لیبرالیستی بود، که پس از پایان جنگ جهانی دوم به حرکت ادامه داد و کماکان نگره غالب در ذهنیت بشر است. انقلاب سوم، که نویسنده به واکاوی آن می‌پردازد، انقلابی است که طبیعه‌های آن را می‌بینیم. در این انقلاب، به تعبیر خیال‌ورزانه نویسنده، بشر حاکمیت خود را از دست می‌دهد، تا که ت را به موجودی می‌سپارد که خود ساخته است و آن را نمی‌شناسد، یعنی انسان شناختش را ندارد. این موجود را می‌توان دیتا نامید، که در ابرموتورهای جست‌وجوی مجازی می‌بالد و رفته‌رفته بشر را از آن خود می‌سازد و او را از عرصه به‌در می‌کشد. نهایتاً دست‌ساخته بشر جای بشر را می‌گیرند. آنچه بدان اطلاق ذهن، ذهن بشر را می‌کنیم منقضی می‌شود و ابرذهنی که خود برمی‌سازیم و شاید مجموعه‌ای از همه انسان‌هاست در نهایت ساختاری پدید می‌آورد که نه ما و نه ذهن ما دیگر در آن جایی نخواهد داشت. دو امکان برای انسان متصور است؛ یا با آن نیروی قاهر مشارکت کند یعنی در هوش خود دست ببرد، از انسان میرا، به واسطه کشت ژن و تزریق ریزتراسه به جسم خود، از انسان میرا به انسان نامیرا تبدیل شود، مرگ را بخرد و راهی به عالم لایتناهی بگشاید، یا امور را یک‌سر به خدمت کاران برنامه‌ریزی شده واگذارد و حکم انقضای خود را امضا کند.

این شمای کلی کتاب است. در ذیل این شمای کلی، افکار و مشعشع نیز مطرح می‌شود؛ از جمله این که مبنای زیست سیاسی در آینده امری طبیعی نخواهد بود؛ مبنای فلسفه و سیاست آینده زیست‌شناسی و اقتصاد خواهد بود. مرزهای سیاسی معنای خود را از دست خواهند داد؛ مشاغل شناخته‌شده از کار می‌روند و ماشین جای انسان را می‌گیرد، و او ناگزیر خواهد بود به‌ازای هر شغلی که به ماشین‌ها وامی‌نهد، شغلی برای خود ابداع کند، و این روند تا غایت آن چنان پیش خواهد رفت که دیگر شغلی برای ابداع کردن نمی‌ماند، کاری نمی‌ماند که بشر بتواند بهتر از ماشین انجام دهد، و صرفه در آن است که کار به دست کاردان سپرده شود و کاردان که کار را به کف آورد سپارنده کار را یک گام به عقب خواهد راند.

پزشکی؟ - ماشین‌ها انجامش خواهند داد. وکالت؟ - آن را هم روزی ماشین‌ها بهتر از ما و علیه خود ما انجامش خواهند داد. حتی هنر؟ حتی شاعری؟ - البته! همین امروز هم رباتی به نام آتی هایکوهایی می‌سراید که نمی‌توان تشخیص داد سروده آدمی نیست؛ فرق میان هوش و خرد از میان خواهد رفت، و نیاز به استدلال در الگوریتم‌های تازه تبیین‌های تازه‌ای خواهد یافت، تبیین‌هایی که به واسطه آن خرد انتزاعی موضوعیت و مشروعیت خود را از دست خواهد داد...

آیا آینده تیره و تار است؟ نویسنده به روشنی پاسخ نمی‌دهد. نه هشدار می‌دهد نه سرعت کم کنیم و نگذاریم آنچه خود می‌سازیم بر ما حاکم شود، نه می‌گوید پرسش‌های آینده، به‌تاخت! می‌گوید آینده چنین چیزی خواهد بود. نه الزاماً آینده را در گذران جوانان میان‌سال و پیر، بلکه - تا حدودی - آینده فرزند دبستانی من میان‌سال، و بیشتر فرزند من فرزند فرزند من. مگر همین حالا هم بشر نمی‌کوشد اتومبیل خود را ببرد؟ بسیار چیزهای دیگر که طلعه آن دورانند؟

آرای نویسنده پرسش‌ها را از دست می‌داند. کوشیده است برای برخی پرسش‌ها پاسخی بیابد، برای برخی پرسش‌ها پاسخی ندارد. ممکن است پاسخ او ما را خوش نیاید یا قانع نشویم. اما به هر رو، فقدان پاسخ یا فقدان قانع‌کننده، اصل پرسش را منتفی نمی‌کند. ما درگیر آن پرسش‌ها می‌مانیم، و باید پاسخ‌شان را بیابیم. اما، مهم‌تر از پرسش‌هایی که نویسنده مطرح می‌کند، صرف نظر از این که پاسخ می‌دهد یا نمی‌دهد، و اگر پاسخی می‌دهد قانع‌کننده است یا نه، پرسش‌هایی است که نویسنده مطرح نمی‌کند و ما در حین خواندن و پس از به پایان بردن کتاب با خود و دیگران مطرح می‌کنیم؛ به هر رو، هم ما، هم نویسنده، هم به‌پژوهان خوشبین یا بدبین به آینده هنوز در عصر اومانسیم (تازه آن هم نه اومانسیم که در سال ۱۸۴۰ به سر می‌بریم و علی‌القاعده نمی‌توانیم دنیایی را که در آن مشارکتی نخواهیم داشت چون اساساً در آن دنیا وجود نخواهیم داشت، امروز، با هر عقیده و نظر، بپذیریم. امروز که هستیم و هنوز مهار امور یک‌سره از دست‌مان خارج نشده است، هنوز رانندگی می‌کنیم، هنوز شعر می‌گوییم، هنوز جسم خود را درمان می‌کنیم، هنوز له و علیه هم وکالت می‌کنیم، حق داریم علیه آن آینده و حتی در نفی آن، موضع بگیریم؛ و بعید است کسی پیدا شود که بر موضعی از این کتاب خرده و نقدی نداشته باشد.

ما در سه وضع امکان زیستن داریم: یا در گذشته زیست کنیم، یعنی در زمان خود با حسرت گذشته زندگی کنیم، یا در حال به سر ببریم، یعنی گذشته را به کلی وانهییم و کاری هم به آنچه خواهد شد نداشته باشیم، یا در سودای آینده به سر ببریم. عجالتاً در زمان حال به سر می‌بریم و از موضع حال، از موضع دانایی‌ای که بشر تا این لحظه کسب کرده است، به دنیا و مافیها می‌نگریم و اگر هم آن آینده را خالص و خلص در نظر آوریم نمی‌توانیم فقدان مشارکت خود را در آن برتابیم - دست کم از نظر اکتونی خود. از این‌ها گذشته، کتاب به ما نشان می‌دهد بشر در کجای تاریخ خود ایستاده است، و ممکن است به کجا برود. شاید به نظر ما نقطه‌ای که نویسنده تبیین می‌کند و می‌گوید این‌جا بییم دقیقاً همان نقطه‌ای نباشد که گمان می‌کنیم در آن هستیم. اما به نظر نمی‌رسد چندان هم از آن نقطه‌ای که نویسنده در زیست‌بوم خود می‌اندیشد دور باشیم. ما نیز به اندازه همه مردمی که درگیر اینترنتند درگیر آنیم. ما نیز بر آن نقاب به با خشک‌سالی به ابر مصنوعی می‌اندیشیم و بودجه‌اش را هم کنار می‌گذاریم. ما هم به اندازه همه جاهای دیگر دنیا درگیر مسئله حدود و ثغور آینده‌ایم؛ آینده‌ای که دقیقاً نمی‌دانیم - گونه خواهد بود، اما حضورش را امروز بیش از همیشه حس می‌کنیم و می‌ترسیم بر آن اثر نهیم و تنقیحش کنیم. مسئله قطعاً این نیست که یا آن آینده محتمل را بلا اختیار بپذیر و فنا شو، یا نپذیر و ناگزیر فنا شو. هرچه تازه است بیگانه است، اما بیگانه‌ها سرانجام زندان برجا می‌مانند که رفته‌رفته صلب می‌شوند و جای صلب‌های استوار گذشته را که دود شده‌اند و به هوا رفته‌اند می‌گیرند. روزگاری دوچرخه مرکب شیطان بود، امروز وسیله سلامت جسم است که عقل سالم را در آن جای می‌دهیم. این قانون را می‌دانیم. می‌دانیم که هرآنچه سخت و استوار است دود می‌شود و به هوا می‌رود، اما باز سست است و می‌مانیم تا امر نو ما را دود کند و به هوا برود. حق داریم مقاومت کنیم. این حق را بدان ما داشتند، برای ما هم محفوظ است. ما به واسطه همین مقاومت است که در آینده مشارکت می‌کنیم، تنقیحش می‌کنیم، و بر آن اثر می‌گذاریم.

فهرست مطالب

۳	تفاوت بین انسان
	بخش اول: انسان خردمند جهان را تسخیر می‌کند
۹۳	۲. عصر سلطه ساز
۱۳۰	۳. جوهر انسان
	بخش دوم: انسان خردمند به جهان معنا می‌بخشد
۱۹۵	۴. داستان بافان
۲۲۱	۵. زوج عجیب
۲۴۳	۶. قرارداد جدید
۲۷۱	۷. انقلاب اومانیستی
	بخش سوم: انسان خردمند سلطه‌اش را از دست می‌دهد
۳۱۱	۸. بمب ساعتی در آزمایشگاه
۳۷۹	۹. جداسازی بزرگ
۴۳۵	۱۰. اقیانوس شعور / آگاهی
۴۵۶	۱۱. کیش اطلاعات
۴۹۷	یادداشت‌ها
۵۲۷	نمایه